




Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <http://dx.doi.org/10.22067/pg.2021.70002.1041>

پژوهشی

## ژئوپلیتیک انرژی، روابط روسیه و اتحادیه اروپا (برداشت رهبران از نورداستریم ۲)

مجید رضامومنی (استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

[mrezam1003@yahoo.com](mailto:mrezam1003@yahoo.com)

محمد رضا توکلی مرنند (دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

[popolicy@gmail.com](mailto:popolicy@gmail.com)

### چکیده

عوامل مادی و ژئوپلیتیکی همواره از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مناسبات سیاسی کشورها در قبال انرژی بوده است اما علاوه بر این، نحوه درک یک تصمیم‌گیرنده (رهبر) از جهان، خود یا دیگری برای درک این مسئله که چرا برخی تصمیمات گرفته می‌شوند و برخی دیگر توسط آن‌ها کنار گذاشته می‌شوند حیاتی است. این مقاله با هدف در نظر گرفتن برداشت رهبران، به ویژه مفهوم سازی متفاوت روسیه و کشورهای عضو اتحادیه اروپا (آلمان و لهستان) از یکدیگر، برای درک دوگانگی تعارض/ همکاری در بخش انرژی استفاده شده است. این نوشتار با استفاده از منابع اسنادی و اینترنتی معتبر و با بهره‌گیری از استراتژی قیاسی و در چارچوب رئالیسم نئوکلاسیک به تبیین - تحلیل این سوال می‌پردازد که برداشت رهبران چه تأثیری بر روابط روسیه و اتحادیه اروپا در قبال ژئوپلیتیک انرژی بعد از بحران اوکراین داشته و به چه صورتی روابط آنها را شکل داده است؟ فرضیه مطرح اینک، برداشت رهبران نقش مهم و فزاینده‌ای بر منطق تعارض/ همکاری در ژئوپلیتیک انرژی داشته و دیگری دوست- دشمن را در روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا دوباره فعال کرده است. در هیچ مورد دیگری چنین دوگانگی همانند پروژه خط لوله نورداستریم ۲، واضح‌تر نمی‌باشد. در تجزیه و تحلیل موضوع، در حالی که پژوهش حاضر اهمیت عوامل مادی و ژئوپلیتیکی را نادیده نمی‌گیرد، اما متغیر فهم و برداشت رهبران هر دو سوی روسیه و اتحادیه اروپا (آلمان و لهستان) را به عنوان متغیری مهم و اساسی در شکل دادن به روابط آنها در قبال نورداستریم ۲، نتیجه می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** نورداستریم ۲، برداشت رهبران، روسیه، اتحادیه اروپا، آلمان، لهستان

### مقدمه

پس از پایان جنگ سرد، روابط بین اتحادیه اروپا و روسیه پیرامون دوگانگی تعارض/ همکاری تنظیم شده است. در حالی که هر دو طرف رسماً برای ایجاد یک مشارکت استراتژیک جامع در اوایل فروپاشی شوروی توافق کرده بودند، اما

عملاً همکاری در تعداد محدودی از بخش‌ها، به ویژه در حوزه اقتصادی توسعه یافت. در پی بحران اوکراین و اعمال مجازات‌های متقابل، آونگ دوگانگی به طور قابل توجهی به سمت منازعه تغییر جهت داده شد، حتی تحریم‌ها تقابل را به روابط اقتصادی گسترش داد، حیطة‌ای که قبلاً عاملی برای روابط نزدیک بین روسیه و غرب بود و تحت تاثیر تنش-های سیاسی غرب-شرق قرار نگرفته بود. علی‌رغم بحران پیش آمده همکاری دو طرف به طور کامل از بین نرفته است. دوگانگی تعارض / همکاری اکنون نه تنها روابط گسترده‌تر اتحادیه اروپا و روسیه، بلکه پویایی روابط انرژی را نیز تحت تاثیر قرار داده است که قبلاً تحت سلطه منطق کارکردگرایی و اقتصادی بود. (Siddi, 2018a: 1560) در این بین تفاوت برداشت و روایت رهبران روسیه و اتحادیه اروپا در شکل‌گیری منطق دوگانگی تعارض / همکاری بویژه در حوزه [ژئوپلیتیک] انرژی نقش اساسی داشته است. چراکه به‌طور کلی نحوه درک یک تصمیم‌گیرنده از جهان، خود یا دشمنش [دیگری] برای درک این مسئله که چرا برخی تصمیمات گرفته می‌شوند و برخی دیگر توسط آن‌ها کنار گذاشته می‌شوند حیاتی است (Hussain & Shakoor, 2017: 8). موضوعی که در مواضع متفاوت روسیه، آلمان و لهستان در ارتباط با پروژه نورد استریم ۲ به خوبی مشهود است. مقاله حاضر به منظور برجسته کردن ماهیت بحث برانگیز ژئوپلیتیک انرژی، به بحث در مورد روابط و استراتژی اتحادیه اروپا و روسیه درباره تجارت انرژی (گاز) پس از تحولات رخ داده اوکراین در سال ۲۰۱۴ اختصاص یافته است. این فرضیه مطرح می‌شود که، برداشت رهبران نقش مهم و فزاینده‌ای بر منطق تعارض / همکاری در ژئوپلیتیک انرژی داشته و دیگری دوست-دشمن را در روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا دوباره فعال کرده است. در هیچ مورد دیگری چنین دوگانگی همانند پروژه خط لوله نورد استریم ۲، واضح‌تر نمی‌باشد. در تبیین و تحلیل موضوع، در حالی که پژوهش حاضر اهمیت عوامل مادی و ژئوپلیتیکی را نادیده نمی‌گیرد، اما متغیر دیدگاه و برداشت رهبران هر دو سوی روسیه و اتحادیه اروپا (آلمان و لهستان) را به عنوان متغیری مهم و اساسی در شکل دادن به روابط آنها در قبال نورد استریم ۲، نتیجه می‌گیرد. مسلماً، در پیشینه پژوهش بیشتر تحلیل‌های علمی در مورد این خط لوله تاکنون متغیر برداشت و فهم رهبران در شکل‌دهی به رفتار دولت‌ها در قبال یکدیگر را نادیده گرفته‌اند و بیشتر از منظر نئورئالیستی، ژئواکونومیک یا نئولیبرال و اینکه انرژی به عنوان ابزار فشار در دست دولت‌ها (بویژه در روابط روسیه و اتحادیه اروپا) مطرح است، به موضوع نگاه کرده‌اند (Simbar, & Rezapour, 2020). (Boersma and Goldthau 2017; Siddi, 2018d) مطالعات دیگر، بر پیامدهای اقتصادی و سیاسی پروژه و همچنین بحث و جدال گسترده قانونی ایجاد شده متمرکز شده است (Siddi, 2020 Bugayova, 2019, ) (Yafimava 2019) در سازماندهی مقاله بعد ارائه کوتاهی از چارچوب نظری، به ساختارهای دیگری روسی در گفتمان‌های هویت ملی اتحادیه اروپا می‌پردازیم و چارچوبی را ارائه می‌دهیم تا این ساختارها را به سیاست انرژی مرتبط کند. در بخش‌های بعدی، ضمن اشاره به جنبه‌های اقتصادی و سیاسی خط لوله نورد استریم ۲، به‌طور خلاصه به منظور فراهم آوردن زمینه تجزیه و تحلیل موضوع، مقاله به موضع‌گیری‌های اروپائیان درباره این خط لوله متمرکز می‌شود. در اینجا تمرکز اصلی، بر دیدگاه و برداشت رهبران آلمان و لهستان است که تجلی رویکردهای موافق و مخالف

اروپا در مورد جریان نورد استریم ۲ هستند، می‌باشد. با توجه به منابع، تجزیه و تحلیل تجربی بر اساس اظهارات رسمی مقامات عالی رتبه بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۲۰، یعنی پس از راه‌اندازی پروژه نورد استریم ۲ می‌باشد.

## ۱- چارچوب نظری

### ۱-۱- واقع‌گرایی نئوکلاسیک<sup>۱</sup>

واقع‌گرایی نئوکلاسیک ضمن تأکید بر محوریت قدرت، معتقد است گزینه‌های سیاست خارجی توسط نخبگان و رهبران سیاسی خلق شده و دقیقاً به همین دلیل، برداشت آن‌ها از قدرت نسبی از اهمیت فراوانی برخوردار است و لذا منابع فیزیکی و کمی قدرت به تنهایی دخیل نیستند (Tabea & Barzegar, 2016: 47). این تئوری مدعی است که تأثیر قابلیت‌های قدرت در سیاست خارجی غیرمستقیم و پیچیده است، زیرا فشارهای سیستمی باید از طریق متغیرهای سطح واحد مانند درک تصمیم‌گیرندگان ترجمه شود (Rose, 1998: 144-145) از منظر واقع‌گرایان نئوکلاسیک، سیاست خارجی یک دولت به طور معمول توسط یک گروه کوچک از رهبران ارشد و مقامات فرموله می‌شود که اغلب با انگاره‌ها و ساختار ذهنی متفاوت به عنوان مجریان سیاست خارجی نامیده می‌شوند (Tabea & Barzegar, 2016: 49). در این بین بازیگران سیاسی و کشورها با ارزیابی موقعیت خود، نمی‌توانند برداشت‌های ذهنی همسان و همسو نسبت به منابع فضا داشته باشند، در بسیاری موارد بازیگران سیاسی نسبت به برخی عوامل و ارزشهای جغرافیایی، ژئوپلیتیکی بیرون یا درون قلمرو خود برداشت همسان یا ناسازگار داشته‌اند و هر یک اهداف خاصی را دنبال می‌کنند و حاکمان سیاسی درک ذهنی خاصی از محیط اطراف خود دارند. نتیجه برداشت‌ها و تصورات ذهنی در ارتباط با منابع و ارزشها، سبب بروز نوع علائق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی یا تهدیدها و فرصت‌ها می‌باشد (Ahmadi, et.al, 2020: 112). فهم و برداشت دولت‌ها و رهبران تحت تأثیر محیط ادراکی و ادراک (تصور) ژئوپلیتیکی‌شان از محیط و فضاهایی که در آن قرار دارند، شکل گرفته و به رفتارها و جهت‌گیری‌های همسو، متفاوت و گاه متعارض می‌انجامد.

### ۱-۱-۱- جغرافیای ادراکی<sup>۲</sup>

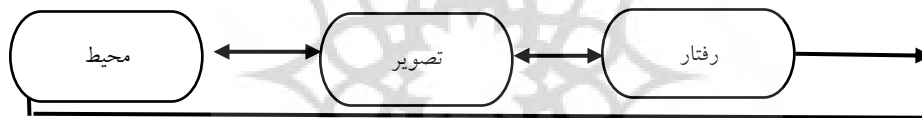
در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ شاخه جغرافیای ادراکی، که گاهی اوقات جغرافیای رفتاری هم نامیده می‌شود اهمیت زیادی کسب کرد. این شاخه [از جغرافیای انسانی] به شدت روان‌شناسی اثباتی را که عمدتاً شامل تنوع رفتاری و نظریه‌های ادراک شناختی می‌شد جلب کرد. در سال ۱۹۶۵ در آمریکا، در سمپوزیومی با عنوان «مسائل رفتاری در جغرافیا» بنیانگذاری جغرافیای رفتاری آغاز گردید. گفتنی است که جغرافیای رفتار فضایی، بیش از همه از روانشناسی، به ویژه مکتب رفتارگرایی، بهره مند بوده و از روانشناسان شناختی - ادراکی نظیر بی. اف اسکینر و برونر و ورنر تأثیر پذیرفت. در دهه هفتاد قرن بیستم نقد «انسان‌گرایانه» جغرافیای رفتاری روی ترکیب بعد فضایی زندگی روزمره و

<sup>1</sup> Neoclassical realism

<sup>2</sup> perceptual geography

نگرش علمی متمرکز شد. باتیمر (۱۹۷۹)، رلف (۱۹۷۶)، رز (۱۹۹۷) و سیمون (۱۹۷۹)، عقاید کارترینها [طرفداران فلسفه کانت] را نقد کردند. آن‌ها اظهار داشتند: به جای پژوهش روی قوانین فضایی و تبیین آن، جغرافیای انسانی باید به معنا و مفهوم ذهنی مکان توجه کند. به عقیده آنان محیط‌های گوناگون جغرافیایی ادراک و شناخت متفاوتی به انسان می‌نمایاند و تنوع محیطی منجر به تنوع ادراکی نیز می‌شود. نکته مهم اینکه ادراک محیط متکی به تجربیات قبلی و نحوه دریافت اطلاعات و داده‌های محیط است. همچنین تصویر ذهنی افراد از محیط و نحوه برداشت آن‌ها از آن، نقش مهمی در تصمیم‌گیری و رفتار آن‌ها دارد. بنابراین رفتار و تصمیم هر شخص متأثر از تجربیات گذشته اوست و قضاوت و کنش او نیز وابسته به آن است (Ahmadi, 2016: 45-46). با افزایش درک افراد از محیط، رفتارهای سنجیده‌تری در آنجا اتخاذ می‌شود. ادراک شخص از جهانی که می‌شناسد به نقشه ذهنی معروف است. نقشه ذهنی، نقشه درونی فرد از جهان شناخته شده اوست به ادراک و دیدگاه افراد از جهان زیست‌شان بر می‌گردد. نقشه‌های ذهنی نمودی از آگاهی، تصویری از یک مکان و یا یک محیط است که به عنوان نماینده سازمان یافته از واقعیت در مغز فرد بسط یافته و به عنوان نتیجه-ای از اطلاعاتی که دریافت شده محفوظ، قابل احضار و تفسیر شده است. نقشه‌های ذهنی در نهایت رفتار شخص را تعیین می‌کند (Ahmadi, et.al, 2020: 114).

نمودار شماره ۱- مدل الگوی رفتاری مبتنی بر شناخت



(Ahmadi, et.al, 2020: 114)

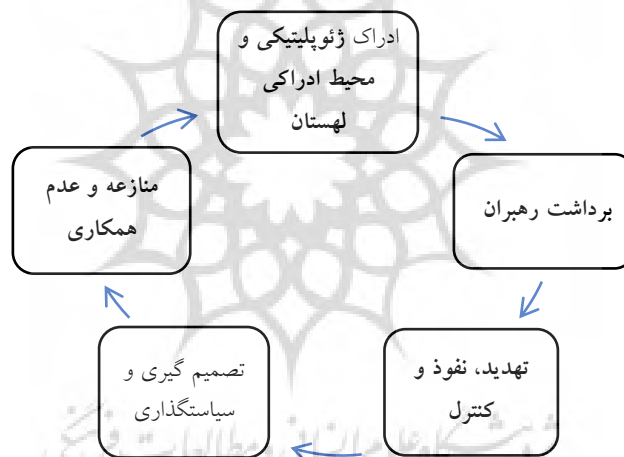
### ۲-۱-۱- ادراک (تصور) ژئوپلیتیکی<sup>۳</sup>

حکومت‌ها و دولت‌ها بزرگترین بازیگران سیاسی، خط مشی، سیاست‌ها و الگوهای رفتاری خود نسبت به مکان‌ها و فضاها جغرافیایی دیگر بر اساس تصور و تصویر ژئوپلیتیکی ادراک شده خود از آن بروز می‌دهند. بطوری که عمل سیاسی یک کشور نسبت به کشور دیگر ناشی از تصویر ژئوپلیتیکی آن می‌باشد. تصویر ژئوپلیتیکی اساس سیاست خارجی و سیاست دفاعی یک کشور را نسبت به کشور دیگر ترسیم می‌نماید. نموده‌های سیاسی تصور ژئوپلیتیکی (ادراک ژئوپلیتیکی) از سوی بازیگران در شکل‌های تسلط بر مکان، فضا و منابع، حذف رقبا و به چالش کشاندن آنها، تصرف قدرت و تغییر در موازنه‌های قدرت سیاسی، ژئوپلیتیکی و راهبردی، اتخاذ سیاست‌های ملی توسط حکومت‌ها و حتی تازش و اشغالگری نظامی به کشورهای دیگر در همه مقیاس‌های محلی، شهری، کشوری، منطقه‌ای و جهانی مشاهده می‌شود (Ahmadi, et.al, 2020: 112). تصور ژئوپلیتیکی دیدگاه‌های ساخته شده ای از جهان است که نمایانگر نقش یک مکان، یک کشور یا یک جامعه در سیاست‌های جهانی است. تصور ژئوپلیتیکی با مفروضات و بازنمایی‌های مشترک روابط و درگیری‌های قدرت در سیاست‌های جهانی در یک قلمرو خاص جغرافیایی شکل می‌گیرد. با تحلیل انتقادی نحوه و چگونگی ساخت این تصورات، می‌توان روابط اصلی قدرت را آشکار کرد و درک بهتری از تعارضات

<sup>3</sup> Geopolitical Imagination

مختلف داشت. بنابراین، تصور ژئوپلیتیکی از نمایش حدود سرزمینی یک کشور و کد ژئوپلیتیک آن تشکیل شده است که [...] "مجموعه ای از مفروضات استراتژیکی را شامل می‌شود که یک دولت درباره سایر کشورها انجام می‌دهد." تصور ژئوپلیتیکی مشروعیت اقدامات ژئوپلیتیکی یا مواضع خاص در سیاست خارجی و داخلی را فراهم می‌آورد. تصور ژئوپلیتیکی بازتاب گفتمان‌هایی است که ثابت نیستند، بلکه در طول زمان و در جوامع مختلف متفاوت هستند (Wikipedia, Geopolitical imagination) در واقع تصویرسازی ژئوپلیتیک عبارت است از رقابت قدرتها بر سر شکل دهی به ادراک و ذهنیت اشخاص، نهادها و بازیگران سیاسی از موقعیت، ویژگی‌ها و محتوای فضای جغرافیایی بر اساس منافع مورد نظر خود (Joneydi et.al, 2014: 49). نقشی که دیگری روسی در ساخت هویت بازی می‌کند، از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است. در لهستان، گفتمان اصلی جریان سیاسی، روسیه را امپریالیستی، تهاجمی، شرقی و فاسد معرفی کرده است که لهستان را در بیشتر تاریخ مدرن خود فریب داده است. (Siddi, 2017b: 49-57) برای لهستان، دیگری روسی بیشتر به عنوان یک تهدید امنیتی تلقی می‌شود و همه ابتکارات سیاسی آن - از جمله پروژه‌های انرژی - دارای پیامدهای امنیتی منفی می‌باشند (Sus, 2018: 78).

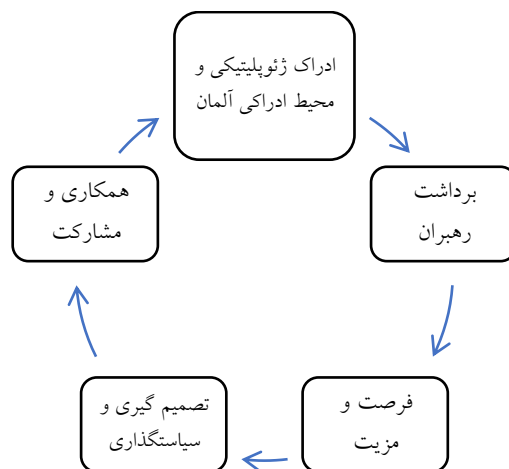
نمودار شماره ۲، ادراک (تصور) ژئوپلیتیکی و محیط ادراکی لهستان در ارتباط با نورد استریم ۲



(Resource: authors, 2021)

برعکس، دیگری روسی در ساخت هویت آلمانی نقش مثبت‌تری داشته است. در آلمان، روایت‌های روسیه به عنوان یک کشور اقتدارگرا و تهدیدآمیز با گفتمان‌هایی که این کشور را به عنوان یک شریک اقتصادی مهم و به عنوان یک خیرخواه دیگری در طی روند سیاسی که منجر به اتحاد مجدد آلمان در ۱۹۹۰ شد، وجود دارد.

نمودار شماره ۳، چرخه ادراک (تصور) ژئوپلیتیکی و محیط ادراکی آلمان در ارتباط با نورد استریم ۲



(Resource: authors, 2021)

## ۲- دیدگاه و برداشت رهبران روسیه

دوران بیست ساله پوتین در قدرت تأثیر زیادی بر جهان بینی او داشته است. کینه شخصی وی از تنگناهای ژئوپلیتیکی رشد کرده و به گفتگوی امنیت ملی روسیه نفوذ پیدا کرده است. (Bugayova, 2019: 8). پوتین پس از نشستن بر مسند قدرت، بلافاصله روند بازیابی غرور گذشته شوروی را آغاز کرد، وی نمادهای مختلف شوروی را بازیابی کرد و شروع به بازنویسی تاریخ شوروی نمود، به طوری که مخزنی بدون ابهام برای غرور روسیه تولید کرد. تلاش‌هایی که می‌تواند در راستای تایید اعلامیه جسورانه پوتین در سال ۲۰۰۵ باشد که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را "بزرگترین تراژدی ژئوپلیتیک قرن" دانست (Hanson, 2017: 9). بنابراین جامعه جهانی در پوتین جلوه‌ای از جاه‌طلبی‌های روسیه را می‌بیند زیرا پوتین می‌خواهد روسیه "مکانی در زیر آفتاب" باشد: یعنی تسلط بر همسایگان، بلافاصله همراه با حق شناخته شده روسیه برای داشتن منافع در سایر نقاط جهان. (Khan, 2018) اولگا اولیکر معتقد است، پوتین احیای دوباره اقتصادی روسیه را مد نظر دارد. وی مسئولیت بازگشت قابل توجه کشورش به صحنه جهانی را بر عهده داشته است. وی معتقد است اگر طی دهه‌ها و قرن‌ها روش‌ها و ابزارها تغییر کرده باشد، اهداف سیاست خارجی روسیه که پوتین دنبال می‌کند، با اهداف سیاست خارجی شوروی و امپراطوری روسیه تفاوتی ندارد (Oliker, 2020). از زمان سقوط کمونیسم، جهان تغییرات زیادی را شاهد بوده است. عاشقانه جهانی شدن جای خود را به جنگ با تروریسم، چالش تغییرات آب و هوایی، ظهور چین، مبارزه برای منابع طبیعی کمیاب داده است. از زمانی که ولادیمیر پوتین قدرت در مسکو را در دست گرفته، نفت و گاز بخشی جدایی ناپذیری از استراتژی روسیه برای بازیابی نفوذ در صحنه جهانی بوده است (EuBulletin, 2019). رفتار روسیه در بازارهای گاز اروپا با ترکیبی از ملاحظات تجاری و سیاسی و اهداف شکل می‌گیرد. اگرچه روسیه هرگز تایید نمی‌کند که تصمیمات سیاست انرژی خود را ژئوپلیتیک هدایت می‌کند، ولی گازپروم<sup>۴</sup> یا روسنفت<sup>۵</sup> همیشه یک توجیه تجاری از یک رویکرد سیاسی ارائه می‌دهند. این کشور تمایل به سوء استفاده از موقعیت مسلط خود در بازار در جهت حمایت از اهداف سیاست خارجی، نه تنها در همسایگی نزدیک خود بلکه در

<sup>4</sup> Gazprom

<sup>5</sup> Rosneft

مناطق دیگر نیز دارد. خط لوله بحث برانگیز نورد استریم<sup>۶</sup> توسط شرکت گازپروم و شرکت‌های انرژی غربی به عنوان یک پروژه کاملاً تجاری برای جایگزینی کاهش تولید داخلی گاز اروپا تبلیغ می‌شود. با این وجود دولت‌های اروپای مرکزی و شرقی، این پروژه را تلاشی برای افزایش نفوذ سیاسی روسیه بر آنها می‌بینند (European parliament, 2018: 13). بخش انرژی به توانایی روسیه در گسترش نفوذ خود به همسایگان نزدیک کمک می‌کند. ارتباط فیزیکی روسیه با اروپا و توانایی پایین آوردن هر رقیبی اساس بسیاری از روابط مسکو در اروپا بوده است (Goodrich & Lanthemann, 2013).

نقشه ۱: اتحادیه اروپا و روسیه (رقابت‌های ژئوپلیتیکی و وابستگی متقابل)



See: Google Map

### ۳- خط لوله گاز نورد استریم ۲

پروژه نورد استریم ۲ در تابستان ۲۰۱۵ توسط شرکت انرژی دولتی گازپروم روسیه و پنج شرکت شریک اروپای غربی آغاز شد. ظرفیت این خط لوله ۵۵ میلیارد مترمکعب گاز در سال (bcm / y) است و از دریای بالتیک مسیر دریایی روسیه - آلمان را دنبال می‌کند. این کریدور انرژی همراه با زیرساخت‌های موازی خط لوله نورد استریم ۱ موجود (که در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ به بهره‌برداری رسید) می‌تواند ۱۱۰ میلیارد مترمکعب گاز را حمل کند و بنابراین بخش عمده‌ای از صادرات گاز روسیه به اروپا که در سال ۲۰۲۰ تقریباً ۲۰۰ میلیارد مترمکعب گاز بود (DW, 2021/02/07) می‌تواند پوشش دهد (Yafimava, 2017: 4).

نقشه ۲: خطوط لوله نورد استریم ۱ و ۲

<sup>6</sup> Nord Stream 2



See: Google Map

نورد استریم ۲ ترکیبی از اهداف سیاسی و تجاری را دنبال می‌کند. این خط لوله به گازپروم اجازه می‌دهد که همکاری تجاری خود با شرکت‌های اروپایی را تقویت کند و روسیه را قادر می‌سازد تا روابط دیرینه و طولانی مدت خود با آلمان را احیا کند. (Yafimava, 2017: 4). انگیزه‌های ژئوپلیتیکی و یک جانبه‌گرایی و حمایت آلمان از این پروژه با نادیده گرفتن نگرانی‌های سایر اعضای اتحادیه اروپا، می‌تواند شکاف‌های سیاسی موجود در این بلوک را عمیق‌تر کند و به ملی‌سازی سیاست‌های انرژی در اروپای مرکزی و شرقی دامن بزند، زیرا کشورهای منطقه می‌بینند که از امنیت انرژی آنها توسط بروکسل و برلین دفاع نمی‌شود. بسیاری از اعضای شرق اتحادیه اروپا، خط لوله را به عنوان یک پروژه ژئوپلیتیک با هدف افزایش وابستگی اروپا به گاز روسیه می‌دانند. آنها می‌گویند آلمان روابط انرژی خود با روسیه را بالاتر از همبستگی اروپا قرار داده است (Umbach, 2017). دانمارک قصد دارد تا مانع از عبور آن از آب‌های سرزمینی خود شود. لهستان می‌گوید که ضد رقابتی است. اوکراین آن را یک حلقه طناب به دور گردنش قلمداد می‌کند. ترس اوکراین از این است که با تکمیل پروژه نورد استریم ۲، روسیه تامین گاز اروپا را مستقیماً از آلمان انجام داده و درآمد اوکراین از ترانزیت قطع شده و اقتصاد این کشور فلج شود. (Yafimava, 2017: 4) به باور رئیس‌جمهور لیتوانی، دالیا گریبائوسکایت، "[خط لوله نورد استریم ۲ پروژه] بدی است، چراکه تجربه هر دو کشور، لیتوانی و لهستان نشان می‌دهد که این یک ابزار ژئوپلیتیکی می‌باشد، تا یک ابزار اقتصادی و ابزاری است که می‌تواند در کشورهای مختلف نفوذ سیاسی ایجاد کرده و بر آنها فشار وارد کند، بنابراین، هر دو کشور می‌گویند که این وابستگی مفید نبوده و حتی تهدید کننده ثبات ژئوپلیتیکی در کشورهاشان است (The Lithuania tribune website, 2018)". استراتژی ژئوپلیتیکی روسیه، پشتیبانی و تعهد آلمان به عنوان قدرت برتر اقتصادی اتحادیه برای اتمام این پروژه را در نظر گرفته است، همچنین علاقه شرکت‌های خصوصی اروپایی، شانس اجرای این پروژه را افزایش داده است (Kustova, 2017: 99). کاخ سفید که از آغاز شروع طرح در سال ۲۰۱۷ با آن مخالفت کرده است طی تابستان سال ۲۰۲۰ تهدیدات خود را علیه مشارکت کنندگان در طرح در مورد اعمال مجازات‌های اقتصادی شدت بخشید. موضوعی که دامنه اختلافات فرآتلاتنیک بویژه شکاف میان برلین و واشنگتن را تشدید کرده است. مایک پمپئو وزیر خارجه وقت آمریکا در این رابطه گفت: "بگذارید



واضح باشم، اینها پروژه‌های تجاری نیستند. آن‌ها ابزار اصلی کرملین برای بهره برداری از وابستگی اروپا به منابع انرژی روسیه هستند... ابزاری که نهایتاً امنیت بین آتلانتیکی را تضعیف می‌کند (Simbar, & Rezapour, 2020: 14) "

#### ۴- نورد استریم ۲: نماد دوگانگی تعارض - همکاری اتحادیه اروپا و روسیه

##### ۴-۱- دیدگاه و برداشت رهبران آلمان در نورد استریم ۲ و دیگری روسیه

در پس زمینه تحولات رخ داده راجع به نورد استریم ۲، تنش‌های متعددی در روابط اتحادیه اروپا و روسیه که عمدتاً مربوط به بحران اوکراین، رخ داده است. نتیجه این تنش‌های طرفین باعث به وجود آمدن روایت‌های طولانی مدت برای کشورهای اروپایی شده است. با این حال، این روایت‌های کشورهای مختلف اروپایی، با مفهوم دیگری روسی مرتبط بوده و در بحث‌های سیاسی اروپائیان تأثیرگذار بوده است. در ارتباط با آلمان از زمانی که این پروژه بزرگ در حال راه-اندازی بود، مقامات عالی رتبه آلمانی مانند وزیر خارجه وقت فرانک والتر اشتاینمایر (۲۰۱۶) اظهار داشت که غرب و روسیه برای حل منازعات منطقه‌ای "به یکدیگر احتیاج دارند". علی‌رغم تنش‌ها و ارزیابی انتقادی خود اشتاینمایر از رفتار روسیه در بحران اوکراین، وی روسیه را "بزرگترین همسایه اتحادیه اروپا" توصیف کرد، با این استدلال که "روابط خوب همسایگی [به نفع هر دو طرف] می‌باشد". به طور قابل توجهی، او معتقد بود که "پس از تجربیات قرن بیستم، ما آلمانی‌ها به طور خاص مسئولیت یافتن کانال‌های ارتباطی و راه‌حل‌های حل و فصل درگیری [با روسیه] را داریم". این گفتار منعکس کننده روایت‌های تلفیقی آلمان در مورد گناهکار بودن در جنگ جهانی دوم و به ویژه جنایات جنگی در اروپای شرقی بود که در قالب واقع گرایی آلمانی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تأثیرگذار بود (Siddi, 2018b). (39) همچنین پس از اتفاقات رخ داده در سال ۲۰۱۴، این زمینه ادراکی سیاست گذاران آلمانی را وادار کرد که از رادیکالیزه کردن بحث در مورد روسیه محتاط باشند و به جای آن به دنبال حل بحران از طریق گفتگو، دیپلماسی و همکاری همسایگی باشند. یکی از مفاهیم برجسته این همکاری مربوط به سیاست تجارت انرژی بود، دقیقاً مانند استپولیتیک<sup>۷</sup> (واقع گرای آلمانی) دهه ۱۹۷۰. اشتاینمایر معتقد است که "روسیه - از جمله در دوران بحرانی و سخت - همیشه یک شریک انرژی قابل اعتماد برای ما بود [...] روابط اقتصادی ما با روسیه بسیار نزدیک است [...] خوشحالم که اکثر شرکت‌های آلمانی با وجود این شرایط دشوار به کار خود با روسیه ادامه می‌دهند (Steinmeier, 2016)". نظرات اشتاینمایر به طور گسترده‌ای در میان مقامات ارشد دولت ائتلاف آلمان (از جمله حزب سوسیال دموکرات چپ میانه و اتحادیه دموکرات مسیحی / اتحادیه سوسیال مسیحی راست میانه) مورد پذیرش قرار گرفت. این امر به ویژه در مورد گفتار سوسیال دموکرات‌ها هم صادق بود، که اغلب رهبر حزب سابق خود ویلی برانت را به خاطر ساختن سیاست واقع-گرای آلمانی ستایش می‌کردند. سیگمار گابریل، وزیر امور اقتصادی و انرژی (۷ (2013) و سپس وزیر امور خارجه (۸ (2017) معتقد بود که وی "کاملاً طرفدار استپولیتیک جدید و سیاست جدید دلجویی است" همچنین هایکوماس سوسیال دموکرات به عنوان جانشین گابریل به عنوان وزیر خارجه، اظهار داشت که "تنها پاسخ ممکن [بحران با روسیه]

<sup>7</sup> Ostpolitik

یک استپولیتیک اروپایی است (Maas, 2018). در آلمان حمایت از نورد استریم ۲ به طور گسترده‌ای در میان احزاب موافق دولت (به جز یک اقلیت انتقادی) و حتی در میان مخالفان مرکل مورد قبول بود. در بحث‌های پارلمانی فقط حزب سبز، به طور مداوم از این پروژه به دلایل محیط‌زیستی انتقاد می‌کرد حتی بحث رسانه‌های آلمان درباره این پروژه انتقادی تر شده بود، اما به نظر نمی‌رسید که این موضع‌ها تصمیم رهبان سیاسی را در مورد این پروژه تغییر دهد. از همه مهمتر، آنگلا مرکل صدراعظم تأکید کرد که این پروژه صرفاً یک کار تجاری است و نباید توسط امور سیاسی تضعیف شود (German Federal Government, 2018a). با شدت گرفتن مخالفت لهستان با نورد استریم ۲، گابریل وزیر خارجه وقت آلمان به رسانه‌های لهستانی گفته بود که این خط لوله به نفع اروپا است و با اصول بازار اتحادیه اروپا مطابقت دارد " البته [...] ما از مردم لهستان می‌خواهیم درک کنند که ما می‌خواهیم در کنار آزادسازی تأمین گاز سال‌ها در کنار مردم اروپا بایستیم و پیشرفت کنیم ". در همان زمان، گابریل و آنگلا مرکل اذعان کردند که جریان نورد استریم ۲ بر ترانزیت گاز در اوکراین، لهستان و دیگر کشورهای اروپای شرقی تأثیر خواهد گذاشت و متعهد شدند که آلمان از این کشورها در امتداد این ترانزیت حمایت خواهد کرد (German Federal Government, 2018b). پس از اعلام لایحه تحریم‌ها [توسط آمریکا]، گابریل بیانیه مشترکی با کریستین کرن<sup>۸</sup> نخست وزیر فدرال اتریش صادر کرد که مواضع آمریکا را به شدت مورد انتقاد قرار داد: "اما، ما نمی‌توانیم تهدید تحریم‌های غیرقانونی علیه شرکت‌های اروپایی را که در تلاش برای گسترش شبکه تأمین انرژی اروپا هستند را، بپذیریم! پیش نویس لایحه ایالات متحده در مورد آنچه در واقع در معرض خطر است، یعنی فروش گاز مایع آمریکایی به طرز شگفت‌انگیزی به ضرر ماست [...] این در مورد رقابت صنایع پرمصرف و در مورد هزاران شغل ماست، شبکه تأمین انرژی اروپا ماجرای مرتبط به اروپا است، نه مرتبط به ایالات متحده آمریکا (Gabriel and Kern, 2017) "مشابه این قضیه در دوره جنگ سرد به دنبال توافق آلمان غربی برای خرید گاز شوروی در سال ۱۹۷۰، خطوط لوله سایوز، اورنگوی و یامال<sup>۹</sup> ساخته شد. ایالات متحده به خرید گاز شوروی توسط آلمان اعتراض داشت و سعی در جلوگیری از ساخت خطوط لوله صادراتی داشت و در اوایل دهه ۱۹۸۰ جنجال‌های قابل توجهی را در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) ایجاد کرد (Rutland, 2008: 204). بنابراین، رهبان آلمان بر ماهیت تجاری پروژه و همچنین رعایت اصول و قوانین بازار اتحادیه اروپا اصرار ورزیدند. مسلماً، دفاع آلمان از نورد استریم ۲ فراتر از مباحث تجاری و حقوقی بود و از خط مشی سیاسی پشتیبانی می‌کرد که می‌خواست تا حدی با روسیه در نقاط تماس مشترک همسان باشد. پیگیری این پروژه در میان تنش‌های معاصر در روابط اتحادیه اروپا و روسیه بیانگر این باور رهبان آلمان بود که همکاری با دیگری روسی همچنان امکان‌پذیر است و این درگیری نه فراگیر بود و نه از پیش تعیین شده. برای برلین به طور فزاینده‌ای دشوار است که از ادعاهای خود مبنی بر اینکه نورد استریم ۲ یک پروژه صرفاً اقتصادی است دفاع کند. به نظر می‌رسد آلمان به جای بازگشت از این توافق هولناک برای اروپا، روایت جدیدی را به نفع خود تقویت می‌کند (Žirj11 1111).

<sup>8</sup> Christian Kern

<sup>9</sup> the Soyuz, Urengoi and Yamal pipelines

## ۲-۴- دیدگاه و برداشت رهبران لهستان در نورد استریم ۲ و دیگری روسیه

روابط روسیه و لهستان از آغاز شکل‌گیری این کشورها بسیار دشوار و مشکل ساز بوده است. تاریخ، سالها درگیری و بی‌اعتمادی متقابل را نشان می‌دهد و در نتیجه، دستیابی به رابطه مدرن سالم، مشارکتی بسیار دشوار به نظر می‌رسد. به باور زیکالیوا دمیدوسکایا<sup>۱۰</sup> "...: نگرش لهستان نسبت به روسیه توسط ترس‌های بی‌اساس و عقاید مبتنی بر تاریخ تعیین می‌شود که اغلب در تضاد با منافع یکدیگر، است" اینکه آیا این ترس‌ها واقعاً بی‌اساس بوده اند یا خیر، همچنان یک موضوع بحث برانگیزی است، اما این واقعیت را که میراثی از تاریخ مشترک قابل مشاهده است را تغییر نمی‌دهد. (Kosuda, 2007: 51 - 52) روایت‌های لهستانی‌ها درباره دیگری روسی دارای سابقه طولانی است که پیش از سیاست‌های تهاجمی مسکو در اوکراین است و در تجارب لهستان از سلطه تزاری و شوروی استوار است. در حوزه سیاست‌های انرژی، این روایت‌ها قبلاً در مورد پروژه نورد استریم ۱ فعال شده بود. در سال ۲۰۰۶، اندکی پس از اعلام این پروژه، وزیر دفاع وقت رادوسلاو سیکورسکی آن را "یک پیمان جدید مولوتوف-ریبنتروپ" خواند، بنابراین آن را با قرارداد ۱۹۳۹ نازی‌ها و شوروی برای تقسیم اروپای شرقی مقایسه کرد. پس از درگذشت رئیس جمهور لهستان لخ کاجینسکی<sup>۱۱</sup> در آوریل ۲۰۱۰ در یک سانحه هوایی در روسیه، در حالی که وی برای بازدید از سایت یادبود کاتین<sup>۱۲</sup> در سفر بود، مسئله بازگرداندن لاشه هواپیما به لهستان دائماً در روابط دو جانبه تنش آفرین شده بود و بحث مربوطه اغلب از اختلافات تاریخی دور مانده بود (Sus, 2018: 78). سیاست خارجی جنگ طلبانه مسکو پس از ۲۰۱۴ به احیای خصمانه‌ترین روایت‌های هویت لهستانی در مورد روسیه کمک کرد. در همین راستا، گفتمان خصمانه علیه روسیه با تغییر در سیاست داخلی لهستان، از جمله برجسته شدن قدرت حزب ملی و کاملاً ضد روسی قانون و عدالت، رو به افزایش بود. پیروزی انتخاباتی قانون و عدالت در پاییز ۲۰۱۵ به هشت سال دولت راست میانه تحت رهبری دونالد توسک پایان داد. حزب قانون و عدالت سابقه مخالفت با روسیه و آلمان در گفتمان سیاسی را دارد. در سال ۲۰۱۶، یکی از نمایندگان اصلی آن، ویتولد واسچایکوفسکی وزیر امور خارجه وقت، استدلال کرد که روسیه تهدیدی وجودی برای اروپا است و حتی خطرناک تر از داعش می‌باشد. از این‌رو، در نتیجه سیاست‌های روسیه و لهستان، روابط دو جانبه به شکل بن بست مقابله‌ای شکل گرفت (Sus, 2018: 88). در بحث‌های پارلمانی و رسانه‌ای لهستان درباره نورد استریم ۲ هم، اکثر احزاب دیدگاه منفی داشتند. این پروژه با انگیزه سیاسی و همچنین تهدیدی برای امنیت انرژی لهستان و منافع اقتصادی و استراتژیک آن تلقی شده است. بسیاری از استدلال‌هایی که علیه اولین پروژه نورد استریم مطرح شده بود مجدداً تکرار شده است - به عنوان مثال، این مفهوم که لهستان پس از ساخت خط لوله با فشار سیاسی روسیه روبرو خواهد شد. با این حال، همان‌طور که در بحث‌های فوق نشان داده شد، بحث این پروژه به دلیل تنش‌های بین‌المللی و این واقعیت که حزب قانون و عدالت اکنون در ورشو قدرت دارد، رادیکالی‌تر شده است. از منظر لهستانی‌ها این پروژه

<sup>10</sup>Czekaleva-Demidovskaya

<sup>11</sup> Lcch kkkksnndr ccc yyński

<sup>12</sup> کشتار کاتین یا کشتار جنگل کاتین به کشتار دسته‌جمعی حدود ۲۲ هزار اسیر جنگی لهستانی در دوران جنگ جهانی دوم توسط کمیساریای خلق در

امور داخلی اتحاد جماهیر شوروی گفته می‌شود

عوامل بازار مانند تقاضای اروپا، خطرات ترانزیت و رقابت بین تامین‌کنندگان گاز را در نظر نگرفته است، بلکه منحصرأ به عنوان یک ابزار روسی در مبارزه ژئوپلیتیک برای اروپای شرقی ارزیابی شده است. مفهوم سازی روسیه به عنوان تهدید کننده یا دیگری منطق اساسی این روایت را فراهم کرده است. رئیس‌جمهور آندژی دودا<sup>13</sup> معتقد بود که "نورد استریم ۲ هیچ ارتباطی با اقتصاد ندارد" و یک سرمایه‌گذاری با ماهیت کاملاً سیاسی است. "نخست وزیر بئاتا سیدلو هم معتقد بود که این پروژه تهدیدی برای استقلال انرژی کل اروپای مرکزی و شرقی است (PAP, 2017). وزیر امور خارجه ویتولد واشچیکوفسکی مدعی بود که این خط لوله اعتماد بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا را تضعیف می‌کند: "اثرات مخرب این پروژه نه تنها امنیت تامین گاز در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، بلکه همچنین ثبات اوکراین را مختل می‌کند و نیز ممکن است باعث بی‌ثبات‌سازی ژئوپلیتیک در اروپای مرکزی شود. (Sididi, 2019: 14)" در سخنان رهبران لهستان، اشارات صریح به تاریخ در کنار تحلیل روابط سیاسی و انرژی فعلی با روسیه وجود داشته است. این منابع منعکس کننده روایت‌های دیرینه هویت لهستانی است که روسیه را به عنوان دیگری تهدید کننده ارزیابی می‌کند. به عنوان مثال، در مصاحبه‌ای با تمرکز بر سیاست خارجی، امنیتی و انرژی لهستان، واسچیکوفسکی با استدلال در مورد اینکه "لهستان در تاریخ خود تجربیات بدی داشته است، موضع کشور خود را توضیح داد. ما می‌خواهیم محتاط باشیم. ما الان پشت درهای خود جنگ داریم. ما یک همسایه متجاوز داریم که آشکارا ترسیم مرزهای اروپا به نفع خودش را اعلام می‌کند" (Dempsey, 2016). به همین ترتیب، او در سخنرانی خود در مورد وظایف سیاست خارجی لهستان در سال ۲۰۱۷، مدعی بود که "لهستان چنین دیدگاه [نظریه روسیه] را در قبال نظم سیاسی در اروپا قبول نخواهد کرد، و قاره ما هرگز نباید به حوزه‌های نفوذ این کشور همانند کنفرانس یالتا و مونیخ تبدیل شود (Waszczykowski, 2017). در جلسه دو جانبه مرکل و ماتئوز موراویکی نخست وزیر لهستان در فوریه ۲۰۱۸، مرکل به دفاع از پروژه به عنوان یک پروژه اقتصادی و مسیر تنوع واردات مصر بود، در حالی که موراویسکی تکرار کرد که این پروژه خطرات سیاسی و امنیتی را در پی دارد. با پیشبرد این پروژه، رهبران لهستان در گفتار و عمل خود رادیکال‌تر شدند. رئیس‌جمهور آندژی دودا نورد استریم ۲ را "سلاحی در جنگ ترکیبی علیه اوکراین" خواند. (cited in Radio Poland, 2018). دودا، از آرزوی اروپای غربی برای وابسته شدن به تامین گاز روسیه متحیر شده و اظهار داشت که "من فقط می‌توانم تعجب کنم که اتحادیه اروپا، منظور من بخشی از آن در غرب است، می‌خواهد به گازپروم وابسته باشد. این من را متحیر می‌کند (The Lithuania tribune, 2018)". به همین ترتیب، موراویکی اظهار داشت که این خط لوله سلاح جنگ ترکیبی است که مسکو می‌خواهد از آن برای تضعیف امنیت انرژی اروپا و همبستگی اتحادیه اروپا و ناتو استفاده کند، "یک قرص سمی برای امنیت اروپا (King, 2018). از منظر رهبران لهستان، این پروژه یک فعالیت تخریب کننده علیه امنیت کشورش را آغاز کرده که توسط روسیه برای اهداف ژئوپلیتیک مهندسی شده است. در گفتمان رهبران لهستان، تنها پاسخ‌های ممکن به نورد استریم ۲، تلاش برای جلوگیری از آن در سطح اروپا یا مقابله با آن با پروژه‌های جایگزین بدون مشارکت روسیه، مانند تحویل لوله‌های بالتیک و گاز مایع از ایالات متحده می‌باشد. در پایان و در تضاد کامل با

<sup>13</sup> Andrzej Duda

موضع آلمان، موضع لهستانی تجسم کاملی از تعارض در دوگانگی تعارض / همکاری اتحادیه اروپا و روسیه در سیاست‌های انرژی است.

## ۵- عوامل مادی دوگانگی تعارض / همکاری در قبال نورد استریم ۲

بررسی مواضع آلمان و لهستان در مورد نورد استریم ۲، بدون تجزیه و تحلیل عوامل مادی به ویژه عوامل اقتصادی و استراتژیک، ناقص است. نورد استریم ۲ به همراه خطوط لوله نورد استریمی که در حال حاضر فعال است به آلمان امکان داده است تا به قطب اصلی انتقال دهنده گاز روسیه به اروپا تبدیل شود. این خطوط لوله بدون ایجاد خطرات و تعرفه-های مربوط به حمل و نقل، ارتباط مستقیمی بین میدین گازی گازپروم و مصرف کنندگان آلمانی ایجاد کرده است. از دیدگاه اقتصادی این استراتژی قابل درک است زیرا آلمان بزرگترین وارد کننده گاز روسیه در اروپا است و انتظار می‌رود گاز به دلیل خطرات نیروگاه‌های هسته‌ای و کاهش مصرف زغال سنگ به علت مشکلات زیست محیطی، نقش مهمی در ترکیب انرژی آلمان پیدا کند. آلمان علاوه بر تأمین تقاضای گاز خود، احتمالاً در موقعیت مدیریت جریان قابل توجه گاز روسیه به سمت اروپای غربی، جنوبی و مرکزی نیز می‌باشد. (Siddi, 2019: 13) به همین اعتبار، عوامل مادی نیز در مخالفت لهستان با نورد استریم ۲ نقش دارند. در صورت تکمیل این پروژه، خطوط لوله ترانزیتی که گاز روسیه را از طریق خاک لهستان (یامال-اروپا) انتقال می‌دهند، می‌توانند ارتباط اقتصادی و استراتژیک خود را از دست دهند - اگرچه تأثیر اصلی بر روی خطوط لوله ترانزیتی اوکراین خواهد بود که ظرفیت بسیار بیشتری در انتقال انرژی روسیه به بازارهای اروپایی دارند. این امر همچنین می‌تواند درآمد لهستان از هزینه حمل و نقل که حدود ۵.۵ میلیون دلار در سال است را به خطر بیندازد (Fomina, 2016: 107). مقامات لهستانی همچنین می‌ترسند که این پروژه با در دسترس قرار دادن حجم زیادی از گاز ارزان قیمت روسی در بازار لهستان، از رقابت و تنوع واردات گاز لهستان جلوگیری کند. در حقیقت به نظر می‌رسد این استدلال عوامل اقتصادی و سیاسی را با هم ترکیب کرده است. از منظر اقتصادی، صرف نظر از قیمت‌های فعلی، مجموعه متنوعی از تأمین کنندگان از ظهور انحصارگر جلوگیری می‌کنند و بنابراین خطر افزایش قیمت‌ها در آینده را کاهش می‌دهد. بنابراین استدلال‌های استراتژیک ورشو بر اساس منطق زیر استوار است: با هدایت حجم گاز به خارج از اوکراین، نورد استریم ۲ موقعیت استراتژیک کیف را در برابر روسیه و اتحادیه اروپا تضعیف می‌کند (که باعث کاهش اعتماد به خطوط لوله ترانزیتی اوکراین خواهد شد) و درآمد آن از هزینه‌های حمل و نقل را کاهش می‌دهد. بنابراین تأثیر کلی ممکن است تضعیف اقتصادی و استراتژیک اوکراین باشد که لهستان آن را یک شریک مهم ژئوپلیتیکی می‌داند که جلوی نفوذ روسیه را می‌گیرد. با این حال، این ایده‌پردازی از اوکراین به عنوان یک محافظ ضروری نیز در ساختارهای دیرینه و ایده‌های تاریخی لهستانی استوار است. (Czaputowicz, 2018).

## ۶- نتیجه‌گیری و یافته‌های تحقیق

در دوره پس از جنگ سرد، روابط سیاسی اتحادیه اروپا و روسیه پیرامون دوگانگی تعارض / همکاری تنظیم شده است. به دنبال بحران اوکراین، تقابل به عرصه اقتصادی نیز گسترش یافته است، موضوعی که قبلاً در نزدیکی روابط روسیه و اتحادیه اروپا پس از جنگ سرد تاثیرگذار بوده است. نوشته حاضر با متمرکز شدن بر متغیر برداشت رهبران و دیدگاه-های متفاوت آنها از دیگری و با مطالعه موردی پروژه نورد استریم ۲ به تبیین مواضع متفاوت آلمان و لهستان در قبال این پروژه پرداخته است. با تجزیه و تحلیل موضوع و با توجه به اظهارات مقامات عالی این کشورها، نوشته حاضر به این اشاره دارد که هرچند متغیرهای مادی و ژئوپلیتیکی مهم و تاثیرگذار می‌باشند اما این متغیرها تحت تاثیر مولفه‌هایی چون ذهنیت تاریخی و نوع برداشت و تصور ژئوپلیتیکی و محیط ادراکی رهبران آلمان و لهستان از روسیه و خط لوله نورد استریم ۲، باعث شکل‌گیری دیدگاه‌ها و برداشت‌های متفاوتی می‌شود که بطور فزاینده‌ای بر منطق همکاری و تعارض در روابط آنها تاثیرگذار بوده و منجر به بروز رفتار متفاوت آنها در قبال یکدیگر در درون اتحادیه اروپا شده است. در مورد آلمان، [تصویرسازی ژئوپلیتیکی و ادراک محیطی از] دیگری روسی و نورد استریم ۲ تا حدی بر اساس سنت استوپلیتیک و همکاری اقتصادی دیرینه در روایت‌های غیرمتضاد و همکاری مفهوم بندی شده است. تصمیم آلمان در حمایت از پروژه نورد استریم ۲ صرفاً تحت تأثیر منافع اقتصادی نبوده، بلکه متکی به مفهوم سازی سیاسی مثبت رهبران آن از روابط انرژی با روسیه بوده است. حتی پس از اتفاقات رخ داده در سال ۲۰۱۴ [دراکراین]، این زمینه ادراکی سیاست‌گذاران آلمانی را وادار کرد که از رادیکالیزه کردن بحث در مورد روسیه محتاط باشند و به جای آن به دنبال حل بحران از طریق گفتگو، دیپلماسی و همکاری همسایگی باشند. [آلمان و دیگر] حامیان نورد استریم ۲ اذعان دارند که این پروژه با کاهش قیمت، دسترسی به گاز در بازار کاملاً آزاد شده آلمان را، افزایش داده و به گازپروم کمک خواهد کرد مستقیماً آلمان، بزرگترین بازار خود را تأمین کند و خطرات حمل و نقل را کاهش دهد. این کشور آلمان را به مرکز اصلی تأمین گاز روسیه در اروپا تبدیل کرده و رقابت را در بازار گاز اروپا افزایش خواهد داد. لهستان و حتی اوکراین از تجهیزات جدید و رقابت افزایش یافته بهره مند خواهند شد. دفاع آلمان از نورد استریم ۲ فراتر از مباحث تجاری و حقوقی بود و از خط مشی سیاسی پشتیبانی می‌کرد که می‌خواست تا حدی با روسیه در نقاط تماس مشترک همسان باشد. پیگیری این پروژه در میان تنش‌های معاصر در روابط اتحادیه اروپا و روسیه بیانگر این باور رهبران آلمان بود که همکاری با دیگری روسی همچنان امکان‌پذیر است، ساختارهای عقیدتی رهبران که گفتمان‌های مربوط به آلمان را شکل می‌دهد، نقش مهمی در تداوم بعد همکاری در دوگانگی تعارض / همکاری اتحادیه اروپا و روسیه داشته است. در مورد لهستان، تصویرسازی ژئوپلیتیکی و محیط ادراکی این کشور از دیگری روسی و نورد استریم ۲ به عنوان تهدیدکننده و تهاجمی ساخته شده است، که مرز محکمی بین خود لهستانی و دیگری روسی ایجاد کرده است. تاریخ، سالها درگیری و بی‌اعتمادی متقابل را نشان می‌دهد و در نتیجه، دستیابی به رابطه مدرن سالم، مشارکتی بسیار دشوار به نظر می‌رسد. به باور زیکالیوا دمیدوسکایا<sup>۱۴</sup> "...: نگرش لهستان نسبت به روسیه توسط ترس‌های بی‌اساس و عقاید مبتنی بر تاریخ تعیین می‌شود که اغلب در تضاد با منافع یکدیگر، است. "برای لهستان، دیگری روسی بیشتر به عنوان یک تهدید امنیتی تلقی می‌شود و

<sup>14</sup>Czekaleva-Demidovskaya

همه ابتکارات سیاسی آن - از جمله پروژه‌های انرژی - دارای پیامدهای امنیتی منفی می‌باشند. روایت‌های لهستانی‌ها درباره دیگری روسی دارای سابقه طولانی است که پیش از سیاست‌های تهاجمی مسکو در اوکراین یا سوریه است و در تجارب لهستان از سلطه تزاری و شوروی استوار است. در حوزه سیاست‌های انرژی، این روایت‌ها قبلاً در مورد پروژه نورد استریم ۱ فعال شده بود. در سخنان رهبران لهستان، اشارات صریح به تاریخ در کنار تحلیل روابط سیاسی و انرژی فعلی با روسیه وجود داشته است. این منابع منعکس کننده روایت‌های دیرینه هویت لهستانی است که روسیه را به عنوان دیگری تهدید کننده ارزیابی می‌کند. سیاست خارجی جنگ طلبانه مسکو پس از ۲۰۱۴ به احیای خصمانه‌ترین روایت‌های هویت لهستانی در مورد روسیه کمک کرد. گفت‌وگو خصمانه علیه روسیه با تغییر در سیاست داخلی لهستان، از جمله برجسته شدن قدرت حزب ملی و کاملاً ضد روسی قانون و عدالت، رو به افزایش گذاشت. از این رو، در نتیجه سیاست‌های روسیه و لهستان، روابط دو جانبه به شکل بن بست مقابله‌ای شکل گرفت. از منظر لهستانی‌ها پروژه نورد استریم ۲ منحصراً به عنوان یک ابزار روسی در مبارزه ژئوپلیتیک برای اروپای شرقی ارزیابی شده است. برداشت لهستان از معاملات تجاری روسیه و آلمان به عنوان یک تهدید صرفاً به دلیل عواقب اقتصادی منفی احتمالی برای لهستان نیست بلکه آن‌ها همچنین با ساختارهای فکری منفی همکاری آلمان و روسیه مرتبط هستند، که عمیقاً در هویت لهستانی جای گرفته است.

#### کتابنامه

- 1- Ahmadi Silveh, J., Hafeznia, M.R., & Ghorbaninejad, R. (2020). Modeling the Geopolitical Perception of Neighboring Countries Towards Geographical Spaces, *Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography*, 12(4), 11 - 128. [In Persian].
- 2- Ahmadi, Ali (2016). Perceptual Approach to the Environment in Behavioral Geography, *Quarterly Journal of the Development of Geography Education*, 31(1), 44-51. [In Persian].
- 3- Joneydi, R., Ahmadi Pure, Z., & Hafeznia, M.R. (2014). Explaining the process of geopolitical imagation, geopolitical imagation of the United States of America from the former Soviet Union during the Cold War. *Research Letter of International Politics*, 2(1), 46-69. [In Persian].
- 4- Tabea Afshar, S., & Barzegar, K. (2016). Neoclassic Realism and U.S. Foreign Policy: A Theoretical Analysis of U.S. Foreign Policy Understanding, *Quarterly Journal of Political and International Approaches*, 8(1), 42-70. [In Persian].
- 5- Simbar, R., & Rezapour, D. (2020). Geopolitical power and Russian geo-energy relations with the European Union in Greater Eurasia, *Quarterly Journal of Foreign Relations*, 11(44). [In Persian].
- 6- Boersma, T., & Andreas, G. (2017). *Wither the EU's Market Making Project in Energy: From Liberalization to Securitization?* In rrrr yy Uii ... eeeee es Nwwbbrral Meraantilmnñ Bssiggttkk,, edited by S. Andersen, A. Goldthau, and N. Sitter.(99-114). Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- 7- Bugayova, Nataliya (2019). Hwwwg gtt rrr w wtR Rssii a: the Krmmin'w worldview. *the Institute for the Study of War and the Critical Threats Project at the American Enterprise Institute, United States of America*. 1-27 Available at: [http://www.understandingwar.org/sites/default/files/ISW%20Report\\_The%20Kremlin%27s%20Worldvie w\\_March%202019.pdf](http://www.understandingwar.org/sites/default/files/ISW%20Report_The%20Kremlin%27s%20Worldvie w_March%202019.pdf). (Retrieved November 11, 2020).
- 8- Czaputowicz, Jacek. (2018). *Information of the Minister of Foreign Affairs on Polish foreign policy tasks in 2018*, 21 March. Available at: [https://www.ms.gov.pl/en/ministry/minister/speeches/information\\_of\\_the\\_minister\\_of\\_foreign\\_affairs\\_on\\_polish\\_foreign\\_policy\\_tasks\\_in\\_2018](https://www.ms.gov.pl/en/ministry/minister/speeches/information_of_the_minister_of_foreign_affairs_on_polish_foreign_policy_tasks_in_2018). (Retrieved November 8, 2020).

- 9- Dempsey, J. (2016). *Witold Waszczykowski and the New Sound From Warsaw*, Carnegie Europe, 17 March. Available at: <http://carnegieeurope.eu/strategieurope/63057>. (Retrieved February 19, 2021).
- 10- Deutsche, W. (2018). *French President Emmanuel Macron in Russia Proposes Joint Initiatives with Vladimir Putin*, 24 May. Available at: <https://www.dw.com/en/french-president-emmanuel-macron-in-russiaproposes-joint-initiatives-with-vladimir-putin/a-43920043>. (Retrieved January 2, 2021).
- 11- DW (2021). *Will Rolling Stream 2 make Europe more dependent on Russian gas?*, Available at: <https://www.dw.com/fa-ir>. (Retrieved March 3, 2021).
- 12- EuBulletin (2019). *Russia's energy issues: How does it impact the EU energy (I)*, euBulletin, Global gateway to understanding Europe, Article Categories: THINK-TANK. October 21, 2019. Available at: <https://www.eubulletin.com/10331-russias-energy-politics-how-does-it-impact-the-eu-energy-insecurity.html>. (Retrieved November 2, 2020).
- 13- Fomina, J. (2016). *Understanding Russia? Helping Ukraine? Poles and Germans on the Russo-Ukrainian Conflict*. Charles University in Prague, Faculty of Arts, Czech Republic (History, Issues, Problems) 8 (2). 103–117. Available at: <http://cejsh.icm.edu.pl/cejsh/element/bwmeta1.element.desklight-8ebdf3d9-1273-4ce0-8a08-ee9e5110e0df>. (Retrieved September 25, 2020).
- 14- Gabriel, Sigmar, and Christian Kern (2017). *Statement on the Imposition of Russia Sanctions by the US Senate*. 15 June. Available at: <https://www.auswaertiges-amt.de/en/newsroom/news/170615-kern-russland/290666>. (Retrieved November 23, 2020).
- 15- German Chancellor Angela Merkel (2018). *Foreign Minister's visit*. 16 February. Available at: [https://www.bundesregierung.de/Content/EN/Artikel/2018/02\\_en/2018-02-16-morawiecki-inberlin\\_en.html?nn=709674](https://www.bundesregierung.de/Content/EN/Artikel/2018/02_en/2018-02-16-morawiecki-inberlin_en.html?nn=709674). (Retrieved November 12, 2020).
- 16- German Chancellor Angela Merkel (2018). *Reisebericht: Sochi*. 18 May. Available at: [https://www.bundesregierung.de/Content/EN/Reiseberichte/2018\\_en/2018-05-18-merkel-sotschi\\_en.html](https://www.bundesregierung.de/Content/EN/Reiseberichte/2018_en/2018-05-18-merkel-sotschi_en.html). (Retrieved February 5, 2021).
- 17- Hussain, N., & Shakoor, F. (2017). *The Role of Leadership in Foreign Policy: A Case Study of Russia under Vladimir Putin*. *IPRI Journal*, No.1,1-25. Available at: <https://ipripak.org/wp-content/uploads/2017/04/Article-No.-1w17.pdf>. (Retrieved March 20, 2021).
- 18- Khan, Stephen (2018). *Russia not so much a (re)rising superpower as a skilled strategic spoiler*. The Conversation Website, February 18, Available at: <https://theconversation.com/russia-not-so-much-a-re-rising-superpower-as-a-skilled-strategic-spoiler-90916>. (Retrieved November 30, 2020).
- 19- King, E. (2018). *German and Polish Leaders Clash over Nord Stream 2 Pipeline*. *Politico*. Available at: <https://www.politico.eu/article/nord-stream-2-german-and-polish-leaders-clash/>. (Retrieved December 25, 2020).
- 20- Kustova, I. (2017). *Towards A Comprehensive Research Agenda On EU Energy Integration: Policy Making, Energy Security, And EU Energy Actorness*. *Journal of European Integration*, 39(1). 1-23. Available at: <https://www.tandfonline.com/author/Kustova%2C+Irina>. (Retrieved March 3, 2021).
- 21- Maas, H. (2018). *Speech at the Tiergarten Conference of the Friedrich-Ebert-Stiftung*. Available at: <https://www.auswaertiges-amt.de/en/newsroom/news/maas-fes-tiergarten-konferenz/2113728>. (Retrieved January 14, 2021).
- 22- Olicker, O (2020). *Russia Has Become Deeply Dependent on Putin*. *Foreign Policy (FP)*. Available at: <https://foreignpolicy.com/2020/05/07/how-putin-changed-russia-forever/>. (Retrieved November 9, 2020).
- 23- OPAP (Polish Press Agency) (2017). *PM Szydło Urges EU to 'Hasten Steps' on Nord Stream 2*. 20 October. Available at: <http://www.pap.pl/en/news-/news,1132702,i-asked-eu-for-faster-action-on-nord-stream-2—pm-szydlo-in-brussels.html>. (Retrieved December 29, 2020).
- 24- Radio Poland (2018). *Planned Russia-Germany Pipeline a 'Political Project': Senior EU Official*, 13 March. Available at: <http://www.thenews.pl/1/10/Artykul/353727,Planned-RussiaGermany-pipeline-a-%E2%80%99political-project%E2%80%99-senior-EU-official>. (Retrieved February 29, 2021).
- 25- Rose, G. (1998). *Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy*. *World Politics*, 51(1),144-17. Available at: <https://sci-hub.tw/https://www.jstor.org/stable/25054068>. (Retrieved September 7, 2020).
- 26- Siddi, M. (2017b). *National Identities and Foreign Policy in the European Union. The Russia Policy of Germany, Poland and Finland*. Colchester: ECPR Press. Available at:



- [https://www.researchgate.net/publication/317358241\\_National\\_Identities\\_and\\_Foreign\\_Policy\\_in\\_the\\_European\\_Union\\_The\\_Russia\\_Policy\\_of\\_Germany\\_Poland\\_and\\_Finland](https://www.researchgate.net/publication/317358241_National_Identities_and_Foreign_Policy_in_the_European_Union_The_Russia_Policy_of_Germany_Poland_and_Finland). (Retrieved November 16, 2020).
- 27- Siddi, M. (2018). *Russia's Evolving Gas Relationship with the European Union: Trade Surges Despite Political Crises*. FIIA Briefing Paper 246. Helsinki: Finnish Institute of International Affairs. Available at: [https://www.researchgate.net/publication/327750032\\_Russia's\\_evolving\\_gas\\_relationship\\_with\\_the\\_European\\_Union](https://www.researchgate.net/publication/327750032_Russia's_evolving_gas_relationship_with_the_European_Union). (Retrieved November 16, 2020).
- 28- Siddi, M. (2018a). *The Role of Power in EU-Russia Energy Relations: The Interplay Between Markets and Geopolitics*. *Europe-Asia Studies* 70 (10). pp. 1552–1571. Available at: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09668136.2018.1536925?journalCode=ceas20>. (Retrieved December 20, 2020).
- 29- Siddi, M. (2018b). *An Evolving Other: German National Identity and Constructions of Russia*. *Politics* 38 (1). pp. 35–50. Available at: [https://www.researchgate.net/publication/318805087\\_An\\_evolving\\_Other\\_German\\_national\\_identity\\_and\\_constructions\\_of\\_Russia](https://www.researchgate.net/publication/318805087_An_evolving_Other_German_national_identity_and_constructions_of_Russia). (Retrieved November 3, 2020).
- 30- Siddi, M. (2020). *National Identities, the Russian Other and Foreign Policy in the European Union*, Abingdon: Routledge.
- 31- Steinmeier, F.W. (2016). *Interview with the Russian News Agency Interfax*, 23 March. Available at: <https://www.auswaertiges-amt.de/en/newsroom/news/-/279458>. (Retrieved January 10, 2021).
- 32- Sus, M. (2018). *Poland: Leading Critic or Marginalized Hawk?* In *EU Member States and Russia: National and European Debates in an Evolving International Environment*, edited by M. Siddi, 77–89. Helsinki: Finnish Institute of International Affairs. Available at: [https://scholar.google.com/citations?user=ahUh2\\_UAAAAJ&hl=ko](https://scholar.google.com/citations?user=ahUh2_UAAAAJ&hl=ko). (Retrieved December 6, 2020).
- 33- Waszczykowski, W. (2017). *Information of the Minister of Foreign Affairs on Polish Foreign Policy Tasks in 2017*. Available at: [https://www.msz.gov.pl/en/ministry/minister/archive\\_speeches/information\\_of\\_the\\_minister\\_of\\_foreign\\_affairs\\_on\\_polish\\_foreign\\_policy\\_tasks\\_in\\_2017](https://www.msz.gov.pl/en/ministry/minister/archive_speeches/information_of_the_minister_of_foreign_affairs_on_polish_foreign_policy_tasks_in_2017). (Retrieved November 19, 2020)
- 34- Yafimava, K. (2017). *The OPAL Exemption Decision: Past, Present And Future*. *OIES Paper 117 (Oxford university, Oxford Institute for Energy Studies)*, 1- 43. Available at: <https://www.oxfordenergy.org/wpcms/wp-content/uploads/2017/01/The-OPAL-Exemption-Decision-past-present-and-future-NG-117.pdf>. (Retrieved February 28, 2021).
- 35- Yafimava, K. (2019). *Gas Directive Amendment: Implications for Nord Stream 2*, Oxford university: The Oxford Institute for Energy Studies, March, 1- 19. Available at: <https://www.oxfordenergy.org/wpcms/wp-content/uploads/2019/03/Gas-Directive-Amendment-Insight-49.pdf?v=f0aa03aaca95>. (Retrieved March 22, 2021).
- 36- Wikipedia, *Geopolitical imagination*, Available at: [https://en.wikipedia.org/wiki/Geopolitical\\_imagination#Concept](https://en.wikipedia.org/wiki/Geopolitical_imagination#Concept). (Retrieved May 6, 2021).
- 37- Kosuda, A.E. (2007). *The nature of Polish-Russian relationships after the year of 1989: the legacy of the past*. Iowa State University, 1 – 58. Available at: <https://lib.dr.iastate.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=15851&context=rtd>. (Retrieved May 7, 2021).
- 38- European parliament (2018). *Energy as a tool of foreign policy of authoritarian states, in particular Russia*, Policy Department for External Relations Directorate General for External Policies of the Union PE 603.868 - April 2018. 1- 43. Available at: [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2018/603868/EXPO\\_STU\(2018\)603868\\_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2018/603868/EXPO_STU(2018)603868_EN.pdf). (Retrieved October 27, 2020).
- 39- Goodrich, L., & Lanthemann M. (2013). *The Past, Present and Future of Russian Energy Strategy*, Stratfor. Feb 12, 2013, Available at: <https://worldview.stratfor.com/article/past-present-and-future-russian-energy-strategy>. (Retrieved October 21, 2020).
- 40- Rutland, P. (2008). *Russia as an Energy Superpower*. *New Political Economy*, 13(2), 203-210, Available at: <https://sci-hub.se/10.1080/13563460802018547>. )Retrieved October 29, 2020(.

- 41- Žrny, S. (2021). *Putin's pipeline of aggression: How the Nord Stream 2 threatens the West*, DefenseNews website, March 31, Available at: <https://www.defensenews.com/opinion/commentary/2021/03/31/putins-pipeline-of-aggression-how-the-nord-stream-2-threatens-the-west/>. (Retrieved may 6, 2021).
- 42- The Lithuania tribune (2018). *Lithuania, Poland united against Nord Stream 2*, February 19, available at: <https://lithuaniantribune.com/lithuania-poland-united-against-nord-stream-2/>. (Retrieved may 6, 2021).

